

زهرة زهرا (س)

سید ابراهیم سید علوی

مقدمه

تمثیل و تشبیه معقول به محسوس از شیوه‌های ادبی و علمی در هر زبان و لغت می‌باشد. قرآن مجید هم، در تبیین برخی حقایق از همین شیوه و سبک بهره‌جسته و بدین گونه مطالب دور از حس ظاهری را بیان داشته است.

نکته دیگر این که بسیاری از آیه‌های قرآنی علاوه بر معنا و منطوق تنزیلی در مناسبت‌هایی که شأن نزول گفته می‌شود، و آن معانی، روشن و آشکاراند. اگر چه مخصص نیستند. احیاناً دارای معانی تأویلی هم می‌باشند که محرمان وحی الهی و مخاطبان اصلی سروش آسمانی، از آنها خبر داده‌اند. مثلاً: **وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ** (اعراف، ۵۸/۷) سرزمین پاک و پاکیزه، معنای ظاهر و منطوق دارد، لیکن مراد از آن در بعد تأویلی، پیامبر خدا (ص) و امامان پس از او می‌باشند. و همچنین است: **كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ** در معنای تأویلی، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) او هستند.^۱

و یازهره، ستاره ناهید که در آسمان، درخشندگی خاصی دارد مثل خورشید و ماه که ویژگی خود را دارند و مایه حیات و موجب چرخش سامان یافته کره زمین اند، در احادیث اسلامی و روایات قرآنی در معانی تأویلی هم کاربرد دارند و بر وجودهای نازنین محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) تأویل شده‌اند. و درباره آیه: **وَعَلَمَاتٍ وَبِالنَّجْمِ**

هم یهتدون . (نحل، ۱۶/۱۶) امام صادق (ع) فرمود:

نحن العلامات والنجم رسول الله؛ علامت‌ها و نشانه‌ها ما هستیم و نجم و ستاره، رسول خدا می‌باشد. ۲.

فاطمه، دخت محمد مصطفی (ص) را زهرا نامیدند زیرا نور او آسمان‌ها را روشن کرد. ۳. و در حدیث آمده: زمانی که خورشید طلوع کند و در آید، او دنبال می‌شود و در موقع غروب و در نبود او ماه و به هنگام ناپیدایی ماه، زهره، راه می‌نماید و معنای تأویلی زهره، فاطمه زهراء است، هم چنان که معنای تأویلی خورشید، رسول‌الله (ص) و منظور از ماه، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد. ۴.

اشاره کردیم، کره زمین بحسب ظاهر و در واقع حسی با پرتو آفتاب و درخشش ماه و ستارگان و از جمله زهره، روشن می‌شود و با تابش نور آنها، زمین خاکی زنده می‌شود و جماد و گیاه و حیوان در آن رشد پیدا می‌کنند، اما در حقیقت و باطن امر، حیات طیبه و کمال انسانی با وجود مقدس محمد (ص) و علی (ع) و زهراء (ص) و ذریه مطهره او شکل می‌گیرد و تأمین می‌شود و این معنای تأویلی آن اسماء و عبارات می‌باشد. سخن در این باره، بسیار گسترده‌تر از این باید باشد و احادیث نبوی و روایات امامان اهل بیت، در آن زمینه، فراوان است و ما به اندکی اشاره‌ای می‌کنیم و می‌گذریم.

ماجرای اعتزال

هر چند که وجود محمد (ص) بعد بشری دارد و او همانند انسان‌های دیگر از پدر و مادری و از طریق توالد و تناسل به عالم خاکی گام نهاده است: **قل إنما أنا بشر مثلكم یوحى إلىّ . (نفلت، ۶/۴۱)** بگو جز این نیست من بشری هستم همانند شما، که به من وحی می‌شود. مع ذلک این وجود نازنین و نسل طیب او اصل بهشتی دارند. علامه مجلسی روایت کرده:

جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: خدایت بر تو سلام دارد و دستور می‌دهد چهل شبانه روز از خدیجه برکنار باشی. و پیامبر (ص) چهل روز و شب با روزه و نماز شب، سپری ساخت. پس از انقضای آن مدت، میکائیل مجمعه‌ای طعام با پوششی از سندس و یا استبرق جلو پیامبر (ص) نهاد و جبرئیل گفت: خدایت

فرمود: تو امشب با این طعام افطار می کنی و نزد خدیجه می روی. پیامبر (ص) پس از تناول آن طعام بهشتی به خانه خدیجه رفت و در همان شب که نطفه زهرا (س) در صلب محمد (ص) قرار گرفته بود به رحم خدیجه انتقال یافت. ۵

پس فاطمه زهرا (س) عنصری بهشتی است و رسول خدا (ص) منزلتی والا برای او قایل بود. زهرا (س) تربیت شده دامن وحی، و خود قرآن مجسم بود و در حدیثی دیگر آمده، پیامبر فرمود: وقتی مرا به آسمان ها عروج دادند. جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت کرد و رطبی به من داد و من آن را تناول کرده و خوردم و آن تبدیل به نطفه شد و در صلب، قرار گرفت وقتی به زمین فرود آمدم خدیجه به فاطمه بار دار شد و فاطمه، حوراء، انسیه و انسان بهشتی است. ۶

فاطمه زهراء و قرآن

امام باقر (ع) فرمود:

رسول خدا (ص) فرمود: قلب و جوارح دخترم فاطمه زهراء از سر تا قدم مشحون از ایمان است او در اطاعت خدا بود و اوقاتش را با تلاوت قرآن می گذرانید و به مضامین آن عمل می کرد. ۷

وقتی آیه لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً (نور، ۶۳/۲۴)؛ رسول الله (ص) را در میان خود آن گونه که یکدیگر را صدا می کنید، بخوانید، نازل شد، فاطمه زهراء گفت: بیم داشتم که رسول الله (ص) را پدر جان صدا کنم و من هم مانند دیگران، رسول خدا (ص) صدا می کردم. یکی دو بار چیزی نفرمود اما بعدها رو به من کرد و فرمود: ای فاطمه! این آیه درباره تو و ذریه ات نازل نشده، تو از من و من هم از تو هستم، مرا پدر جان، صدا کن که مرا چنان خواندن، شاد و پروردگار را خوشنود و راضی می گرداند. ۸

به روایت شیخ صدوق (ره) در عرصه قیامت، فاطمه زهراء (س) از صراط می گذرد وقتی در بهشت قرار گرفت و کرامت الهی را در حق خویشتن دید این آیه را تلاوت می کند: الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور. الذي أحلنا دار المقامة من فضله لا يمستا فيها نصب ولا يمستا فيها لغوب (فاطر، ۳۵-۳۴/۳۵)؛ ستایش خدا را که اندوه از ما برد. پروردگار ما بسیار بخشنده و شکرگزار است. آن خدایی که از فضل خود

هم یهتدون . (نحل، ۱۶/۱۶) امام صادق (ع) فرمود:

نحن العلامات و النجم رسول الله؛ علامت‌ها و نشانه‌ها ما هستیم و نجم و ستاره، رسول خدا می‌باشد. ۲.

فاطمه، دخت محمد مصطفی (ص) را زهرا نامیدند زیرا نور او آسمان‌ها را روشن کرد. ۳. و در حدیث آمده: زمانی که خورشید طلوع کند و در آید، او دنبال می‌شود و در موقع غروب و در نبود او ماه و به هنگام ناپیدایی ماه، زهره، راه می‌نماید و معنای تأویلی زهره، فاطمه زهراء است، هم چنان که معنای تأویلی خورشید، رسول‌الله (ص) و منظور از ماه، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد. ۴.

اشاره کردیم، کره زمین بحسب ظاهر و در واقع حستی با پرتو آفتاب و درخشش ماه و ستارگان و از جمله زهره، روشن می‌شود و با تابش نور آنها، زمین خاکی زنده می‌شود و جماد و گیاه و حیوان در آن رشد پیدا می‌کنند، اما در حقیقت و باطن امر، حیات طیبه و کمال انسانی با وجود مقدس محمد (ص) و علی (ع) و زهراء (ص) و ذریه مطهره او شکل می‌گیرد و تأمین می‌شود و این معنای تأویلی آن اسماء و عبارات می‌باشد. سخن در این باره، بسیار گسترده‌تر از این باید باشد و احادیث نبوی و روایات امامان اهل بیت، در آن زمینه، فراوان است و ما به اندکی اشاره‌ای می‌کنیم و می‌گذریم.

ماجرای اعتزال

هر چند که وجود محمد (ص) بعد بشری دارد و او همانند انسان‌های دیگر از پدر و مادری و از طریق توالد و تناسل به عالم خاکی گام نهاده است: **قل إنما أنا بشر مثلكم یوحی الیّ .** (فصلت، ۶/۴۱) بگو جز این نیست من بشری هستم همانند شما، که به من وحی می‌شود. مع ذلک این وجود نازنین و نسل طیب او اصل بهشتی دارند. علامه مجلسی روایت کرده:

جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: خدایت بر تو سلام دارد و دستور می‌دهد چهل شبانه روز از خدیجه برکنار باشی. و پیامبر (ص) چهل روز و شب با روزه و نماز شب، سپری ساخت. پس از انقضای آن مدت، میکائیل مجمعه‌ای طعام با پوششی از سندس و یا استبرق جلو پیامبر (ص) نهاد و جبرئیل گفت: خدایت

فرمود: تو امشب با این طعام افطار می کنی و نزد خدیجه می روی. پیامبر (ص) پس از تناول آن طعام بهشتی به خانه خدیجه رفت و در همان شب که نطفه زهرا (س) در صلب محمد (ص) قرار گرفته بود به رحم خدیجه انتقال یافت. ۵

پس فاطمه زهرا (س) عنصری بهشتی است و رسول خدا (ص) منزلتی والا برای او قایل بود. زهرا (س) تربیت شده دامن وحی، و خود قرآن مجسم بود و در حدیثی دیگر آمده، پیامبر فرمود: وقتی مرا به آسمان ها عروج دادند. جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت کرد و رطبی به من داد و من آن را تناول کرده و خوردم و آن تبدیل به نطفه شد و در صلب، قرار گرفت وقتی به زمین فرود آمدم خدیجه به فاطمه بار دار شد و فاطمه، حوراء، انسیه و انسان بهشتی است. ۶

فاطمه زهراء و قرآن

امام باقر (ع) فرمود:

رسول خدا (ص) فرمود: قلب و جوارح دخترم فاطمه زهراء از سر تا قدم مشحون از ایمان است او در اطاعت خدا بود و اوقاتش را با تلاوت قرآن می گذرانید و به مضامین آن عمل می کرد. ۷

وقتی آیه لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً (نور، ۶۳/۲۴) رسول الله (ص) را در میان خود آن گونه که یکدیگر را صدا می کنید، بخوانید، نازل شد، فاطمه زهراء گفت: بیم داشتم که رسول الله (ص) را پدر جان صدا کنم و من هم مانند دیگران، رسول خدا (ص) صدا می کردم. یکی دو بار چیزی نفرمود اما بعدها رو به من کرد و فرمود: ای فاطمه! این آیه درباره تو و ذریه ات نازل نشده، تو از من و من هم از تو هستم، مرا پدر جان، صدا کن که مرا چنان خواندن، شاد و پروردگار را خوشنود و راضی می گرداند. ۸

به روایت شیخ صدوق (ره) در عرصه قیامت، فاطمه زهراء (س) از صراط می گذرد وقتی در بهشت قرار گرفت و کرامت الهی را در حق خویشستن دید این آیه را تلاوت می کند: الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور. الذي أحلنا دار المقامة من فضله لا يمستنا فيها نصب ولا يمستنا فيها لغوب (فاطر، ۳۵-۳۴-۳۵)؛ ستایش خدا را که اندوه از ما برد. پروردگار ما بسیار بخشنده و شکرگزار است. آن خدایی که از فضل خود

ما را در این اقامتگاه جاودانی، قرار داد و ما را در آن، خستگی و رنج نرسد. خدا به آن بانوی بزرگوار وحی می‌کند و می‌فرماید: ای فاطمه! هر چه خواهی می‌دهمت و هر آرزویی داری برآورده ساخته، خوشنودت می‌نمایم. فاطمه زهرا(س) عرض می‌کند: الهی تو نهایت آرمان و بالاتر از هر آرزویی، از تو می‌خواهم که دوستداران من و عترت و خاندان مرا با آتش، عذاب نکنی. خدا به او وحی فرماید: ای فاطمه! به عزت و جلالم و بلندی مرتبه و مقامم دو هزار سال قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین، سوگند یاد کرده‌ام که دوستداران تو و دوستداران عترت تو را با آتش عذاب نکنم.^۹

باید دانست که معنای مهر و محبت زهرا چیست؟ فقط یک لفظ و یا ادعای محض نیست و بی‌شک شرایط و مراتبی دارد که رعایت آنها چندان هم آسان نیست، هر چند که در چهار چوب تقوا و پارسایی و ملاحظه حرام و حلال الهی خیلی هم مشکل نیست و در یک کلام، اطاعت خالص و زهرایی می‌طلبد.

زهرا(س) در آینه قرآن

در کتب تفسیر و حدیث، در تشریح معانی قرآنی، مطالبی پیرامون ابعاد وجودی فاطمه زهرا(س) و تبیین شخصیت او، آمده و آن حضرت در معانی تنزیلی آیات و تأویلی آنها، تجلی دارد.

آیه‌های در بعد تنزیل

آیه مباهله و آیه تطهیر دو نمونه هستند که در آیه نخست، فاطمه زهرا(س) تنها مصداق موردی از آن و در دومین آیه، از جمله مصداق تنزیلی به حساب می‌آید: فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین (آل عمران، ۶۱/۳)؛ پس هر کس در آن باره (حق) با تو بحث و بگو مگو کرد پس از آن که آگاهی از حقیقت پیدا کرده‌ای بگو بیاید پسران ما و پسران شما، زنان ما و زنان شما و خودمان و خودتان را فراخوانیم، آنگاه دست به دعا برداشته نفرین خدا را بر کافران نثار کنیم.

مفسران اتفاق نظر دارند که تنها مصداق «نساءنا» در این آیه، فاطمه زهرا(س) است زیرا در آن جمع جز آن حضرت بانوی دیگری از مسلمانان حضور نداشته است.

فخر رازی می نویسد:

رسول خدا (ص) حسین (ع) را بغل کرد و دست حسن (ع) را بگرفت و فاطمه (س) از پشت سر و علی (ع) به دنبال حرکت کردند. پیامبر (ص) فرمود هر گاه من دعا کردم شما آمین بگوئید. اسقف نجران تا این جمع را دید خطاب به نصرانیان گفت من صورت هایی می بینم که اگر آنان از خدا بخواهند او کوهی را از بُن بکند و از بین ببرد، چنان می کند که آنان می خواهند. مبادا مباحله نمایید که از بین خواهید رفت. ۱۰

پس مصداق تنزیلی کلمه «زنان» در این آیه فاطمه زهرا (س) است و بس.

اما آیه تطهیر: اِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب، ۳۳/۳۳)؛ جز این نیست، خدا می خواهد از شما اهل بیت، پلیدی و آلودگی را بزدايد و پاک و پاکیزه تان سازد. ام سلمه همسر پیامبر گفت: فاطمه زهرا (س) با پارچه ای حریر نزد رسول خدا (ص) آمد پیامبر (ص) به او فرمود: شوهر و فرزندان را هم صدا کن بیایند. همه شان آمدند و طعامی خوردند، آنگاه رسول خدا (ص) ملافه ای خیبری بر رویشان انداخت و عرضه داشت:

خدایا! ایان عترت و اهل بیت من هستند، پلیدی و ناپاکی را از ایشان ببر و پاکیزه شان فرمای. ۱۱ پس محمد (ص) و حضرت زهرا (س) دخت گرامی او، علی امیرالمؤمنین همسر زهرا (س) و امام حسن و امام حسین (ع) پنج تن، مصداق تنزیلی این آیه مبارکه می باشند. فخر رازی می نویسد:

اقوال در «اهل بیت» مختلف است. بهتر است گفته شود: آنان، فرزندان پیامبر (ص) و همسران اویند و حسن و حسین هم از ایشانند و علی هم از آنان است زیرا او به سبب معاشرت و آمیزش با دختر او و به علت ملازمت با پیامبر (ص) از اهل بیت محسوب می گردد. ۱۲

نگارنده گوید: حمد و سپاس خدا را که پیشوای اهل شک و تردید نتوانسته منکر آن شود که علی (ع) و زهرا (س) مصداق آیه تطهیراند. و هر چند که وجود زهرا (س) در آیه تطهیر و حدیث ام سلمه محور است اما فخر رازی از فاطمه زهرا نام نبرده و به عنوان کلی «اولاد» اکتفا کرده و از علی (ع) هم بالیت و لعل نام برده و بالأخره مسئله به خیر خاتمه یافته

است. این وضع را همپالگی های او از مفسران غیر شیعی هم دارند و به دخول همسران در آیه تطهیر اصرار ورزیده و سخنان بی حاصل گفته اند.^{۱۳}

آیه های تأویلی

مفسران محدث به استناد روایات اولیای معصوم، برخی آیه های ذکر حکیم را بر حضرت زهرا(س) منطبق دانسته و آن بزرگوار را احياناً مصداق تأویلی آن سلسله آیات معرفی کرده اند. در حدیث بریده آمده: رسول خدا(ص) فرمود: مریم به ولادت فرزندش بشارت داده شده و من به فاطمه زهرا(س) ولادت حسن و حسین(ع) را بشارت دادم، سپس فرمود: و جعلها کلمة باقیة فی عقبه (زخرف، ۴۳/۲۸) و آن را کلمه ای ماندگار و جاویدان در پشت وی قرار داد.

در دنباله همین حدیث چنین آمده است: پیامبر(ص) در ولادت هر یک از حسن و حسین(ع) به فاطمه بشارت و مژده می داد و می فرمود: مبارک باد تو را ولادت امامی که آقای اهل بهشت شود و خدا در تکمیل آن فرمود: و او را کلمه ای ماندگار در پشت و نسل او یعنی علی(ع) قرار داد.^{۱۴}

فاطمه زهرا(س) در یکی از غزوات خواست وکیلی برای علی(ع) بگیرد آیه نازل شد: ربّ المشرق و المغرب لا إله الا هو فاتّخذة وکیلا (مزمل، ۷۳/۹)؛ پروردگار خاور و باختر، خدای جز او نیست پس او را وکیل بگیر.^{۱۵}

از ابن عباس روایت شده که آیه: مرج البحرين يلتقيان. بینهما برزخ لایغیان (الرحمن، ۱۹/۵۵ - ۲۰)؛ دو دریا را به هم آمیخت و آنها به هم رسیدند... درباره فاطمه(س) و علی(ع) نازل شده است.

و خدا فرمود: من خدا هستم دو دریا را فرستادم: علی دریای علم و فاطمه دریای نبوت و آنها به هم می پیوندند و میانشان وصلت برقرار می گردد و حاصل آن پدید آمدن لؤلؤ و مرجان است. ای جن وانس به کدامین نعمات الهی منکر هستید: ولای علی و مهر و محبت فاطمه و مراد از لؤلؤ، حسن است و مقصود از مرجان، وجود حسین(ع) می باشد.^{۱۶}

و سوره مبارکه «هل اتی» در شأن اهل بیت نزول یافته و در آن انواع نعمت های بهشتی یاد شده جز حورالعین، که به احترام زهرای اطهر ذکری از آنها به میان نیامده است.^{۱۷}

ابن عباس در ذیل آیه: لا یرون فیها شمساً و لا زهراً (انسان، ۷۶/۱۳)؛ در آن، نه آفتاب

و نه سرما نبینند، روایت کرد که:

بهشتیان پس از استقرار در بهشت نوری می بینند که به شدت درخشد. می پرسند: خدایا! تو در کتاب نازل بر پیامبرت محمد(ص) فرمودی، که در بهشت از آفتاب و یا سرما خبری نخواهد بود. ندا کننده ای پاسخ دهد این، نور خورشید و یا ماه نیست بلکه علی(ع) و فاطمه از چیزی در شگفت شدند و خندیدند و بهشت از نور حاصل از آن، روشن گردید. ۱۸

در داستان مریم آمده است: ... خدا او را به نیکی پذیرا شد و نیکو پرورش داد و کفالت او را به زکریا وا گذاشت. هر گاه زکریا در محراب بر مریم وارد می شد نزد او طعامی می یافت، می پرسید ای مریم! این طعام از کجاست؟ گفت: از نزد خدا، او هر که را بخواهد روزی بی حساب دهد. جابر بن عبدالله حدیث کرد که رسول خدا(ص) چند روزی طعام نخورده بود، به خانه های همسرانش سر زد چیزی نیافت به خانه فاطمه زهرا(س) آمد (قصه طولانی است) ظرفی پر از طعام دید که بخارش بلند بود. پرسید ای فاطمه(س)! این طعام از کجاست؟ فاطمه زهرا(س) گفت: هو من عندالله إن الله یرزق من یشاء بغیر حساب (آل عمران، ۳/۳۷)؛ آن از نزد خدا است، همانا خدا هر که را بخواهد روزی بی حساب دهد. رسول خدا(ص) فرمود: حمد و سپاس خدا را که مرا آن قدر زنده نگاه داشت تا از دخترم فاطمه آن بینم که زکریا از مریم دید. ۱۹

و از امام باقر(ع) روایت شده که مراد از آیه: و ما خلق الذکر و الأنثی. إن سعیکم لثنتی (لیل، ۹۲/۴۳) و قسم به آن مرد و زنی که خدا آفرید، کوشش هایتان مختلف است. و مرد و زن مذکور در آن، علی بن ابیطالب(ع) و فاطمه زهرا(س) می باشند. ۲۰

امام صادق(ع) فرمود: فاطمه زهرا(س) بعد از رحلت پدرش هفتاد و پنج روز برای او می گریست. جبرئیل می آمد و او را از حال پدر آگاه می ساخت و به وی تسلی می داد. و از حوادث آینده می گفت و علی(ع) هم تمام را می نوشت و این است معنای تأویلی: فنادها من تحتها ألا تحزنی (مریم، ۱۹/۲۴) پس او را از پایین صدا می کرد: غمگین مباش. ۲۱

عمار یاسر هم گفت: که در آیه: فاستجاب لهم ربهم أنى لا أضع عمل منکم من ذکر او أنثى (آل عمران، ۳/۱۹۵)؛ پروردگارشان به ایشان جواب داد: من کار هیچ مرد و زنی را که عملی انجام دهند، تباہ نمی سازم، مراد از زن و مرد مذکور در آن علی(ع) و فاطمه(س) می باشد. ۲۲

از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که: پیامبر (ص) فاطمه زهراء (س) را با یک روانداز و پتویی از پشم شتر، دید که با یک دست آسیاب می گرداند و همزمان طفل خود را شیر می دهد. با دیدن این صحنه اشک در چشمان پیامبر (ص) حلقه زد و فرمود: دخترم تلخی دنیا را با حلاوت و شیرینی آخرت، پیشاپیش برگزیده ای. فاطمه زهرا (س) گفت: ای رسول خدا (ص) خدا را بر نعمت هایش و موهبت ها و عطاهاش حمد و سپاس.

آنگاه آیه نازل شد: و لسوف یعطیک ربک فترضی (ضحی، ۵/۹۳)؛ بعدها پروردگارت آن قدر دهد که راضی شوی. و این معنای تأویلی آیه در مورد زهراء (س) می باشد. ۲۳

تجلی قرآن در خانه زهرا (س)

عمر فاطمه زهرا (س) خیلی کوتاه بوده هر چند از حیث کیفیت، حیاتی پربار داشته است با انجام وظیفه مهرآمیز، برای پدر از خردسالی تا بعد و امر شوهرداری و به دست آوردن رضایت امیرالمؤمنان در امر همسرداری و با تربیت نیکو و پسندیده در مورد فرزندان بزرگوار اعم از دختر و پسر، با آن رعایت عدالت رفتاری با خدمتکار خانه اش فضّه، که یک روز در میان، خود او و روزی دیگر فضّه به کار خانه می پرداخته است، برخلاف خانه اشراف و مردمان دنیا خواه که حتی برای خادم و کارگر، مجال اندیشیدن هم نمی دهند و از همین اوضاع معلوم می شود که خانه فاطمه زهرا، خانه قرآنی بوده و صحنه صحنه، معارف والای قرآن به عمل می آمده است. کافی است داستان ذیل را بخوانیم و مقاله را با آن به پایان ببریم و دانستی هایی از آن بیاموزیم.

مردی می گوید در صحرا از قافله عقب ماندم و در راه به بانویی برخورددم. پرسیدم: کیستید؟ در جواب من گفت: و قل سلام فسوف یعلمون (زخرف، ۱۸۹/۴۳) یعنی اول سلام سپس کلام و پرسش. سلامی گفتم باز پرسیدیم: شما در این جا چه کار می کنید؟ در پاسخ گفت: من یهد الله فماله من مضل (زمر، ۳۷/۳۹) هر که را خدا هدایت کند، گمراه کننده ای برای او نیست، یعنی راه گم کرده ام. پرسیدم تو انسان هستی یا پری؟

جواب داد: یا بنی آدم خذوا زینتکم (اعراف، ۳۱/۷) ای فرزندان آدم آراسته باشید، یعنی از اولاد آدم می باشم. گفتم از کجا می آید؟ گفت: ینادون من مکان بعید (فصلت، ۴۴/۴۱) از جای دور صدا می شنوند یعنی از جای دور می آیم. پرسیدم مقصدتان کجاست؟ گفت: و

لله على الناس حج البيت (آل عمران، ۹۷/۳) و برای خداست بر عهده مردم حج خانه . یعنی به زیارت خانه خدا می روم ، پرسیدم : چند روز است در راه مانده اید؟ پاسخ داد : و لقد خلقنا السموات و الارض و ما بينهما في ستة ايام ، (ق، ۳۸/۵۰) همانا ما آسمان ها و زمین را در شش روز آفریدیم . یعنی شش روز است از قافله عقب مانده و گم شده ام . گفتم میل به طعام دارید؟ گفت : و ما جعلناهم جسداً لا يأكلون الطعام (انبیاء، ۸/۲۱) و ما آنان را کالبدی قرار ندادیم که طعامی نخورند . یعنی میل به غذا دارم . گفتم پس بدوید و شتاب کنید . در جواب گفت : لا يكلف الله نفساً الا وسعها ؛ (بقره، ۲۸۶/۲) خدا هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند . یعنی توان چنان کاری را ندارم . گفتم بر ترک مرکب من سوار شوید تا شما را به مقصد برسانم . گفت : لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا ؛ (انبیاء، ۲۲/۲۱) اگر در آنها خدایانی بود جز الله ، تباه می شدند یعنی من و تو نامحرم و بیگانه از هم هستیم و ردیف هم سوار شدنمان مصلحت نیست . از مرکب خود پایین آمدم و او سوار شد و گفت : سبحان الذي سخر لنا هذا ؛ (زخرف، ۱۳/۴۳) پاک و منزّه است آن که این مرکب را برای ما رام کرد . وقتی به کاروان نزدیک شدیم . پرسیدم آیا شما در این کاروان آشنایی دارید؟ گفت : یا داود إنا جعلناك خليفة في الأرض (ص، ۲۶/۳۸)؛ ای داود ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم . یعنی پسرم داود است .

و ما محمد إلا رسول (آل عمران، ۱۴۴/۳)؛ محمد نیست مگر فرستاده خدا، یعنی پسر دیگرم محمد می باشد . یا يحيى خذ الكتاب بقوة (مریم، ۱۹/۱۲)؛ ای یحیی با تمام نیرو کتاب را بگیر ، یعنی نام پسر سوم من یحیی است . یا موسى إني أنا الله (قصص، ۳۰/۲۸) ای موسی من خدایم ، و نام چهارمین پسرم موسی است . آن بانو این چهار اسم را خواند ناگهان چهار جوان از قافله به سوی او حرکت کردند . پرسیدم اینها کیستند . فرمود : المال و البنون زينة الحياة الدنيا (کهف، ۴۶/۱۸)؛ دارایی و پسران ، آرایش حیات دنیوی است . وقتی آن چهار نفر پسران او به وی رسیدند گفت : یا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين (قصص، ۲۶/۲۸) ای پدر او را اجیر کن که آن بهترین اجیر نیرومند و امانت کار است . پسران آن بانو چیزهایی به من دادند . او گفت : و الله يضاعف لمن يشاء (بقره، ۲/۲۶۱) و خدا برای هر کس بخواهد چند برابر دهد . و به دنبال تلاوت این آیه آن مردان عطایی مضاعف به من دادند . از آن مردان پرسیدم این بانو کیست؟ گفتند : او فضه مادر ما و

خدمتکار فاطمه زهراء است و بیست سال است که او جز با تلاوت آیات قرآن، کسی را جواب نمی دهد. ۲۴ راستی که فاطمه زهرا اسوه انسانیت و کمال است و مس وجود را همین فضه او طلا می کند.

۱. سورة ابراهيم، آیه ۲۴، البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ۲۳/۲ و ۳۱۱.
۲. تفسیر شبر، عبدالله، ذیل آیه.
۳. سفینه البحار، قمی، ۱/۵۷۲ و بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ۲۴/۸۰.
۴. بحار الانوار، ۲۴/۷۴.
۵. الانوار البهیة، قمی/۴۱، به اختصار.
۶. بحار الانوار، ۴۳/۴۲.
۷. المناقب، ابن شهر آشوب، ۳/۳۳۷.
۸. مستدرک سفینه البحار، ۸/۲۴۰.
۹. بحار الانوار، ۲۷/۱۴۰ و ۱۴۱.
۱۰. تفسیر کبیر، ۸/۸۰.
۱۱. مجمع البیان، ۸-۳۵۷/۷.
۱۲. تفسیر کبیر، ۲۵/۲۰۹.
۱۳. ر. ک: آلوسی، روح المعانی و اسماعیل حقی، روح البیان و جز آنها.
۱۴. المناقب، ۳/۳۵۹ و ۳۵۸.
۱۵. همان/۳۲۵.
۱۶. همان/۳۱۹.
۱۷. همان/۳۲۵.
۱۸. همان/۳۲۹.
۱۹. همان/۳۳۹ و ۳۶۰، با اندک تفاوت.
۲۰. همان/۳۲۰.
۲۱. همان/۳۳۷.
۲۲. همان/۳۱۹ و ۳۲۰.
۲۳. همان/۳۴۲.
۲۴. همان/۳۴۳ و ۳۴۴.